

تاریخ خط حرفی درجهان و ایران

علیقلی اعتماد مقدم

بی برد .
درمیانة حدسیات و احتمالات و نظریات مختلف ، حدس نسبت الفبا به فینیقیها و سامی بودن اصل خطوط حرفی از همه بیشتر شهرت دارد و کتب و مقالات زیادتری راجع به آن نوشته شده است .

تبلیغات راجع به نظریة سامی بودن اصل الفبا در مدتی بیشتر از یک قرن طوری منظم و مرتب بوده که برای اشخاصی که فرصت و حوصله مراجعه به کتب تاریخ و ایراداتی که دانشمندان بر این نظریه وارد کرده اند ندارند ، مطلب را حل شده و مسلم تصور کرده اند .

علت شهرت این حدس و ترجیح آن بر حدسیات دیگر اینست که این نظریه - چنانکه بیان خواهد شد - سنگی افتانه ای تاریخی دارد ؛ در صورتی که نظریات دیگر از مرحله حدس یا احساسات نژادپرستی شروع میشود و با حدس و احتمالات پایان می یابد و حتی یک افسانه یا یک مدرک علمی و فنی که آنها را تأیید کند در دست نمی باشد .

آنچه باعث پیدا شدن نظریات مخالف بوده اینست که نظریة فینیقی بودن اصل الفبا در همه موارد و نسبت به همه الفباهای جهان که مشترک بودن اصل آنها مسلم است صدق نخواهد کرد . جدیدترین مقاله ای که راجع به اصل سامی خطوط جهان بنظر رسیده مقاله ایست که دو سه سال پیش در آخرین چاپ دایرة المعارف امریکانا بطبع رسیده است .

نویسنده مطلع و توانای این مقاله مثل بسیاری از دانشمندان دیگر از نظریة اسحق نیلور و داود درینگر طرفداری کرده و نظریات و حدسیات مخالفان را باختصار ذکر و رویهمرفته رد کرده است . ولی از روی کمال انصاف و اطلاع تصریح کرده

خلاصه آنچه را که در مقاله گذشته راجع به اختراع و پیدایش الفبا با کمال اختصار نوشته شده برای یادآوری خوانندگان گرامی و ربط این مقاله با مقالات گذشته بترتیب قدمت روایات تذکر می دهیم :

۱) فرشته ای که میخواست خواندن را به یکی از پیغمبران یاد بدهد به آن حضرت گفت که این «ب» است و لب تو می باشد، و این «س» است و دندان . . .

۲) تذکری راجع به علم تجوید در ایران و هند و رسم مقاطع دهان در قدیم و ترتیب فنی و طبیعی حروف از حلق تا برآمدگی لب .

۳) در قرن شانزدهم در هند گفته اند که پنجاه و سه حرف خط سنسکریت را از زبان و دهان گرفته اند .

۴) در قرن هفدهم در اروپا از طرفی خواسته اند الفبائی از روی دهان و زبان بسازند و از طرف دیگر کتابی تألیف شده که خطی که از روی دهان و زبان ساخته اند خط عبری است .

۵) در اواسط قرن نوزدهم یک الفبای منطقی دیگری بنام «الفبای پدیدار» در انگلستان اختراع شده است .

۶) در اواخر قرن نوزدهم میلادی بررسی تاریخ الفبا سبک دیگری بخود گرفته و اختلاف نظرهای بسیاری میان سبک بزرگترین دانشمندان پیدا شده است که برای اطلاع از جزئیات هر نظریه ای باید به کتب مفصل و مقالات بسیاری که در دائرة المعارف های زبانهای مختلف و مجلات اروپا درج شده رجوع کرد . جدیدترین کتاب مفصل و جامعی که در این موضوع نوشته شده کتاب الفبای دانشمند محقق داود درینگر است که شماره صفحاتش بیش از سیصد صفحه میباشد^۲ .

این بود اساسی ترین نکاتی که در دو مقاله گذشته با کمال اختصار تذکر داده شده بود .

باری هر چند پس از بیشتر از یک قرن کوشش هنوز تاریخ الفبا و چگونگی رسم حروف آن از پرده حدس و احتمال و اختلاف نظر یا بیرون نگذاشته ولی یک مطلب مسلم شده است که همه خطوط حرفی جهان از یک اصل مشترک بوجود آمده اند و حال باید در جستجوی این اصل مشترک کوشید و به حقیقت آن

۱ - از قبیل :

Journal Asiatique, Royal Asiatic Society.
David Dringer, D. Litt. (Flor). M. A. (Gantab).
The Alphabet, London New York, 1949, Hutchinson's Scientific and Technical Publications.

که بررسی این موضوع مهم تاکنون صورت کمال به خود نگرفته و باید در آینده راجع به این قسمت از تاریخ تمدن جهان بررسی دقیق کرد تحقیقت روشن تر گردد .

در ذیل خلاصه جامعی از آنچه که در آن مقاله ذکر شده و مربوط به مقاله ما میشود میدهم :

« بررسی تاریخ الفبا از عصر یونانیان تاکنون چندان اشکالی ندارد ، ولی نظرهایی که راجع به پیش از عصر یونان داده شده در آن شک و تردید بسیارست .

ولی باوجود همه اینها می دانیم که چون حروف یونانی آلفا بتا گاما دلتا و غیره نامهای سامی دارند لهذا خط یونانی اصل سامی دارد .

یکی از قدیمترین الفبای سامی که کشف شده روی تخته سنگ مؤاب است که تاریخ آن از قرن نهم پیش از میلادست .

یک سنگ نبشته قدیمی دیگری در جزیره قبرس پیداشده که قدمت آن را هم در همین حدود گذاشته اند .

بسیاری از محققین معتقدند که خط سنگ نبشته مؤابی نماینده شکل اصلی حروف الفبای قدیم نیست بلکه آن حروف و اشکال حروفی که بدست آمده از یک اصل مشترکی گرفته شده اند .

اکتشافات جدیدی که پیوسته صورت می گیرند مانع از این است که یک نظر قطعی در این باب اظهار داشت و نتیجه گرفت و گفت که در اصل اشکال این حروف چگونه بوده و در کدام سرزمین پیدا شده است .

نظریات دانشمندان مطلع نسبت بهم اختلاف بسیار دارد و برای هر نظر بهای دلایل قوی بیان شده است .

لنرمان^۲ در ۱۸۷۴ اظهار نظر کرده که همه خطهای سامی از مصر آمده است .

دانشمندان دیگری معتقدند که منشأ اصلی خطوط حرفی جهان ، خط میخی بابلی و یا خط کرت و یا خط سیلابی قبرس میباشد .

نظر سر آرتور ایوانس^۴ که از دانشمندان اخیرست اینست که جزیره کرت وطن اصلی الفباست و خط حرفی از کرت به فلسطین رفته و فینیقی ها خط را از آنها اقتباس کردند و از آنجا به یونان برگشته است .

سرفلندر پتری^۵ در اوایل قرن بیستم در شبه جزیره سینا سنگ نبشته ای کشف کرد و کشف او باعث شد که دوباره نظریه اقتباس الفبا از خط مصری را دکتر گاردینر^۶ زنده کند .

از قراری که حدس زده اند این سنگ نبشته از قرن پانزدهم پیش از میلادست و نماینده مرحله ای مابین خط مصری و خط سامی میباشد .

اگر خطوط سامی جنوب شبه جزیره عربی را در نظر

بگیریم آنوقت لازم می آید که یک حلقه مخصوصی که هنوز ثابت نشده است کشف بشود .

باری این قبیل سنگ نبشته های سامی که کشف شده است تاریخش را تا دوهزار سال پیش از میلاد قرار داده اند .

در هنگامی که مصر و بابل و آسور و کرت نفوذ خود را از دست دادند سه قوم مهم دیگر : اسرائیل و فینیقی و آرامی سر بلند کردند .

حال اگر شاخه های جنوبی را در نظر بگیریم در این صورت دوشاخه ممتاز سامیهای شمالی باقی میماند و آن دوشاخه :

یکی کنعانی است که از آن عبری قدیم^۷ و فینیقی و آرامی بیرون می آید و نفوذ خود را روی الفبای عربی و پهلوی ایرانی نشان میدهد ؛

و دیگری خط آرامی سامی است که بنظر می آید یک نفوذ قابل توجهی روی الفبای ارمنی و خطهای هندی داشته باشد^۸ .

اکنون برمی گردیم به شاخه کنعانی خطوط سامی و مخصوصاً به فینیقی که میتوان آنرا به سه دسته تقسیم کرد :

- ۱) فینیقی اصلی که در فینیقیه بکار می رفته است ؛
- ۲) خط مستعمرات فینیقی ها در قبرس و ساردنی و کارتاژ ؛
- ۳) شاخه تحریری آن در شمال افریقای غربی .

محقق است که یک فاصله ای مابین حروف الفبای یونانی و حروف خط فینیقی وجود دارد و در اینجا لازم نمی دانیم که راجع به صورتهای مختلف آن بحث کنیم ولی بهتر اینست که سه حقیقت ذیل در نظر گرفته شود :

اول اینکه سنت تاریخی یونان تصریح می کند که کادموس پادشاه تبس ، خط را از فینیقی ها اقتباس کرده است و دانشمندان عقیده دارند که این سنت تاریخی کافیست که از هر گونه شک و تردیدی راجع به اصل خط یونانی جلوگیری کند .

دوم اینکه نامهای حروف الفبای یونانی کلمات زبان فینیقی است و روح شکل حروف یونانی نشان میدهد که از خط فینیقی اقتباس شده است .

سوم ترتیب حروف یونانی که شبیه به ترتیب حروف فینیقی است .

باری نکته دیگری که قابل توجه می باشد اینست که الفبای یونانی در آغاز از راست به چپ نوشته می شده ولی بعدها از چپ

۳ - François Lenormant

۴ - Sir Arthur Evans

۵ - Sir W. Flinders Petrie

۶ - Gardiner

۷ - مقصود عبری جدید نیست که در مقاله پیشین تذکر دادیم .

۸ - H.F.J. Junker, Das Awestaalphabet und der Ursprung der armenischen und georgischen Schrift, «Caucasica», 1925 - 1927

EGYPTIAN Hieroglyphics	PHOENICIAN Letters	Classical GREEK	ETRUSCAN	LATIN 4th c.
ox	aleph	Δ alpha	Δ	Λ
house	beth	β beta		B
camel (?)	gimel	Γ gamma	C	C
door	Δ daleth	Δ delta		D
behold	Ξ he	E epsilon	E	E
hook	Υ vav	F digamma	F	F
sickle	Z zayin	Z zeta	X	I
fence	H cheth	H eta	H	H
basket (?)	\oplus teth	\ominus cheta	\oplus	
forearm (?)	I yod	I iota	I	I
palm	K koph	K kappa		K
ox goad	L lamed	Λ lambda	L	L
water	M mem	M mu	M	M
serpent (?)	N nun	N nu	N	N
prop (?)	Ξ samekh	Ξ ksi		
eye	O ayin	O omicron		O
mouth	P pe	P pi	P	P
side	Q tsade		M (san)	
knot	Φ qoph			Q
head	R resh	P rho	P	R
teeth	S shin	Σ sigma	S	S
+ mark	T tau	T tau	T	T
		Y upsilon	Y	V
		Φ phi	Φ	
		X chi	X	X
		Ψ psi	Ψ	
		Ω omega		
			8	
				Z

جدول فوق، قسمتی از جدول اصلی دایرةالمعارف امریکانا است که برای منظور ما در اینجا کافیت . در این جدول، نویسنده دانشمند مقاله الفبا، تحول حروف الفبای لاتین و الفبای اتروسکی را از الفبای کلاسیک یونانی، و کلاسیک یونانی را از فینیقی، و حروف فینیقی را از هیروگلیفی مصری نشان داده است. ولی چنانکه ملاحظه میشود پنج حرف از الفبای یونانی کلاسیک، و پنج حرف از الفبای فینیقی، و سه حرف از الفبای لاتین قرن چهارم میلادی، اصلی در خط فینیقی و خط نقشی مصری ندارد.

بهر است مرسوم گردیده است .

هر چند بسیاری از دانشمندان معتقدند که مردم شبه جزیره ایتالیا خط را از یونان گرفته‌اند ولی نباید چنین باشد . آنچه در این مورد به حقیقت نزدیکتر میباشد اینست که الفبای اتروسکیان که قومی از اقوام ساکنان شبه جزیره ایتالیا بوده‌اند یک مرحله میانه‌ای و مهمی مابین الفبای یونانی و رومی است .

الفبای اتروسکی از قرن هشتم پیش از میلادست و از چند الفبای یونانی قدیم حروفش را عاریه کرده است .

این بود خلاصه کلیات مطالب مهمی که در مقاله راجع بتاريخ الفبا در دائرة المعارف امریکائی چاپ ۱۹۶۲ درج شده است و خوانندگان برای یافتن اطلاعات بیشتری میتوانند بدان مراجعه کنند .

چون نظریاتی که تاکنون راجع به تاریخ و چگونگی پیدایش خط اظهار کرده‌اند بنیادش با افسانه و یا حدسیات و احتمالات بوده لهذا خواهی‌خواهی ایراداتی به هر یک از آنها وارد میشود .

در ذیل چند ایراد مهم فنی و تاریخی را که در مورد هر نظریه باید در نظر گرفت تذکر میدهیم تا اینکه جویندگان در هنگام بحث و بررسی تاریخ خط آنها را در نظر داشته باشند .

آلفابت : اصطلاح آلفابت « برای خط حرفی » قدیمی و درست نیست .

ولتر می‌گوید چرا اصطلاحی برای کلید دانشها که آنرا الفبا می‌گویند نداریم ؛ در حالی که برای شمارش می‌گوئیم علم شمارش (حساب) و نمی‌گوئیم دانش یک دو سه .

نخستین جایی که در کتب قدیم به اصطلاح آلفابت برمی‌خوریم در تألیفات لاتینی ترتولین^۹ و سن ژرم^{۱۰} است . گفته‌اند این دو شخصیت روحانی در قرن سوم و پنجم میلادی میزیسته‌اند . ولی چون وضع تاریخ میلادی از قرن دهم یازدهم میلادی است ، در این تاریخ‌گذارها اختلافاتی وجود دارد که باید در نظر گرفته شود و شرحش از موضوع مقاله ما خارج است . بنابراین ، اصطلاح آلفابت چند قرن بعد از میلاد از لاتین به یونانی رفته است .

ترتیب حروف خطوط اسلامی بعد از قرن سوم هجری ، الف ب ت شده است . این ترتیب ، ترتیب مشاقی می‌باشد و ترتیب علمی و فنی مطابق آنچه در کتب تجوید و مقاطع دهان آمده نیست .

خوشنویسان برای تعلیم خط ، حروفی را که اشکال آنها بهم شباهت داشته و با نقطه‌گذاری از هم تشخیص داده می‌شده پهلوی هم گذاشته‌اند و لهذا در هنگام بررسی تاریخ الفبا لازمست

که ترتیب « الف ب ت » را هم در نظر بگیریم ، زیرا که اگر آن سه حرف باصواتی برای سهولت تلفظ و اختصار بهم بچسبند ممکنست آلفابت هم تلفظ شود .

نام حروف : نکته دیگری که در این مورد قابل توجه است اینست که نامهای برخی از این حروف در زبان فارسی شبیه به فرانسه یا انگلیسی است و این شباهت را نمی‌توان سهولت بصورت توارد پذیرفت .

اکنون در ایران به ته ته تلفظ می‌کنند و این نامها با این تلفظ شبیه به تلفظ نامهای این حروف در فرانسه است .

در برخی از کتب خطی نام این حروف را بی تی تی نوشته‌اند که به تلفظ انگلیسی نامهای این حروف شباهت دارد . سه حرف از حروف الفباهای اسلامی : میم و نون و واو (واو کردی و عربی) نام دارد . علت اینکه این نامها را برای این حروف گذاشته‌اند اینست که «م» و «ن» و «و» که در اول یا آخر هر کلمه تلفظ شود از نظر علم تجوید یا صداشناسی باهم اختلاف دارد . لهذا آنها را در اول و آخر این نامها قرار داده‌اند تا اینکه اختلاف و امتیاز آنها نسبت به هم در هنگام تلفظ معلوم باشد .

خلاصه ، گفته‌اند که اسامی برخی از این حروف مثل الف و جیم و دال نامهایی می‌باشند که ترکیب شده‌اند از خود حرف با یکی از صفات ذاتی یا عرضی آن ؛ چنانکه در کتب تجوید شرح داده شده است .

نظیر این نامها را در الفبای یونانی و الفباهای دیگر هم می‌بینیم . مثلاً Omega در یونانی یعنی O کشیده یا منخم ، و I grec در فرانسه یعنی I یونانی .

در هر صورت ملاحظه میشود که خود حرف با صفت و خصوصیت حرف ، ترکیب و نامی برای حرف قرار داده شده است .

اصطلاح آلفابتا در یونانی قدیم برای خط حرفی بکار نرفته است . در یونانی قدیم آنچه را که اکنون آلفابتا می‌گویند «گراما» یعنی نگارش یا دبیره می‌گفتند .

چنانکه در مقاله پیشین (منتشر شده در بهمن‌ماه) تذکر دادیم در ایران به الفبا دبیره می‌گفتند و نام خطهای آنان ویسپ دبیره ، گشته دبیره . . . بوده است . در کتب عربی نیز به الفبا ، حروف معجم می‌گویند که کلمه معجم در این مورد قابل توجه و بررسی است .

در زبان سنسکریت که زبان هندی قدیم است خط حرفی را «دیواناگری» می‌نامند و راجع به معنای آن گفته‌اند که «دیوا» یعنی الهی و مقدس ، ولی معنای «ناگری» معلوم نیست .

چگونه ممکنست پذیرفت که در یک زبان دقیق و کاملی مثل زبان سنسکریت که اصول وضع کلمات آن بر دلالت لفظ بر معنی است کلمه مهمی مانند «ناگری» بی‌معنی باشد . اگر فرض شود

۹ - St. Jérôme

۱۰ - Tertullien

که « ناگری » تلفظ هندی « نگاری » است در این صورت واضحست که آن کلمه درست بمعنای « گراما » ی یونانی ، و « دبیره » فارسی می باشد .

ازین قبیل کلمات که اصوات آنها در گویشهای مختلف زبانهای آریائی بلند و کوتاه میشود و تغییر می کند بسیارست .
فینیقی : در کتب عهد عتیق و در انجیلهای چهارگانه نامی از قومی یا کشوری بنام فینیقی وجود ندارد . فقط در اعمال رسولان ، دومرتبه سرزمینی به نام « فی نی سی » و یک بار « فونی سیا » آمده است . می گویند که فینیقی یونانی معادل کنعان است و چون این قسمت از تاریخ ، مهمترین قسمتهای تاریخ فرهنگ بشرست بدین جهت در این امور ادلگه بیشتری لازم است .

در اول کتاب تاریخ هرودت چنین آمده : -

« بنا بگفته فارسیانی که بهترین اطلاعات تاریخی را دارند جدال را فینیقی ها شروع کردند . این مردمان که سابقاً در سواحل دریای اریتره (خلیج فارس) سکنی داشتند به سواحل مدیترانه مهاجرت کردند و در سرزمینی که اکنون در آنجا هستند فرود آمدند و در سفرهای طولانی خود در کشتی ها ، اجناس مصری و آسوری حمل می کردند . در یکی ازین سفرها دختر پادشاه هلاس (یونان) را ربودند و به مصر بردند و . . . »^{۱۱}
در کتاب جغرافی حدود العالم که در ۳۷۲ هجری تألیف شده و از قدیمترین کتب جغرافی است در صفحه ۷۴ چاپ تهران اینطور می نویسد :

« فینکی و ارامسل از حدود مکران دوشهرند با خواسته بسیار و به دریا نزدیک و بر کنار بیابان نهاده »^{۱۲} .

هرودت در کتاب پنجم چنین مینویسد : -

« فینیقی هائی که با کادموس به یونان آمدند هنرهای بسیاری را که در میان آنها خط است بهمراه خود آوردند و تا آن هنگام یونانیان نوشتن را نمی دانستند » .

در اینجا بی مناسبت نیست که افسانه کادموس پادشاه شهر تبس را که بمنزله یک حقیقت تاریخی پذیرفته شده بیاوریم .

کادموس و فینیقی : شاهزاده خانم اروپا دختر زیبائی بود و گاوی آنرا برده بود . پدرش ، برادرانش را به جستجوی او فرستاد و به ایشان فرمان داد که برنگردند تا اینکه آن دختر را پیداکنند . یکی از آن شاهزادگان ، کادموس بود ، و او بجای اینکه بیهوده در جستجوی خواهر خود پردازد از روی خردمندی به پرستشگاه دلفی رفت و از ایزد آپولو پرسید که خواهرش در کجاست . آن ایزد به او گفت که بیخود برای خواهرش خود را بزحمت نیندازد و تصمیم پدرش را در آن باره اجرا نکند ؛ بلکه شهری برای خود بسازد . پس از اینکه از پرستشگاه دلفی بیرون خواهد آمد به گوساله ای برخورد خواهد کرد و باید در پی آن گوساله برود و شهر خودش را درجائی

بسازد که آن گوساله فرود می آید . بدین طریق شهر تبس ساخته شد و سرزمین اطراف آن به نام گواستان نامیده شد . در آغاز ، کادموس به جنگ اژدهائی پرداخت و آن را بکشت . این اژدها چشمه ای را نگهبانی می کرد و هنگامی که همراهان کادموس برای بدست آوردن آب رفته بودند همه را درید .

کادموس به تنهایی نمی توانست که شهری بسازد ولی هنگامی که اژدها کشته شد ایزد آنرا براو ظاهر شد و به او گفت که دندانهای اژدها را در زمین بکار .

کادموس فرمان ایزد را بی آنکه بداند چه پیش می آید پذیرفت . ولی ازجائی که آن دندانها را کاشته بود مردانی مسلح از کشتزار بیرون پریدند و باعث وحشت او شدند . ولی آن مردان مسلح توجهی به کادموس نکردند و به جنگ هم پرداختند تا اینکه همه آنان بجز پنج نفر همدیگر را کشتند و کادموس آن پنج تن را راضی کرد که با او همکاری کنند . با کمک این پنج تن ، کادموس شهر تبس باشکوه را ساخت و در آنجا با جلال و ثروت فراوان و خرد شایان فرمانروائی کرد . این کادموس همان کسی است که هرودت می گوید الفبا را به یونان آورد .

این بود خلاصه افسانه کادموس و تبس که تنها مدرک تاریخی اقتباس خط یونانی از فینیقیان است .

چون سرزمینی که تصور شده است فینیقی ها به آنجا مهاجرت کرده اند و اقامت گزیده و وسعت قابل ملاحظه ای برای رشد مادی و معنوی اقوام در دورانیهای قدیم ندارد و از میزان جمعیت و زبان و دین و هنر آنها اطلاعی در دست نیست و حتی نمی دانیم که این مردم ، هنر دریانوردی را در کجا و چگونه آموخته و به مدیترانه برده اند لهذا خالی از اشکال نیست که تاریخ خط را در جهان بر پایه افسانه ای قرارداد که نامهای در آن وجود دارد که قدمت آنرا قرنها از آنچه تصور شده است پائین تر می آورد .

در صورتیکه از قرن شانزدهم تا اواسط قرن نوزدهم میلادی موضوع ارتباط خط با دهان و اختراع یک الفبای منطقی در اروپا مطرح بوده است جای تعجب است که در هیچیک از کتب مفصل تاریخ الفبا راجع به آن چیزی نوشته نشده است ؛ بلکه دانشمندی که بررسی این قسمت از تاریخ فرهنگ بشر را بعهده گرفته اند موضوع را از خط نقشی مصری یا خطوط میخی شروع کرده و گذشته را بکلی نادیده گرفته اند .

۱ - هرودت این قصه را علت اصلی و مقدمه جنگهای ایران و یونان قلمداد کرده است .

۲ - در نظر گرفتن روایت حدود العالم در این مورد خالی از اهمیت نیست مخصوصاً اینکه هرودت فینیقیان را مهاجرینی از خلیج فارس به مدیترانه دانسته است . همچنین از قراری که نوشته اند کادموس می خواسته است نفوذ ایران را بر یونان تحصیل کند .

CONTEMPORARY ENGLISH	ARCHAIC ROMAN	ARCHAIC GREEK	PHENICIAN	BRĀHMA	DEVELOPMENTS OF BRĀHMA				MODERN NĀGARĪ
A	Α	Α	𐤀	𑀅	𑀲	𑀳	𑀴	𑀵	अ
K	Κ	𐀀	𐤂	𑀆	𑀶	𑀷	𑀸	𑀹	क
G	Γ	𐀁	𐤃	𑀇	𑀺	𑀻	𑀼	𑀽	ग
T	Τ	Τ	𐤄	𑀈	𑀾	𑀿	𑁀	𑁁	त
TH*	Θ	Θ	𐤅	𑀉	𑁂	𑁃	𑁄	𑁅	थ
D'	Δ	Δ	𐤆	𑀊	𑁆	𑁇	𑁈	𑁉	द
P	Ρ	𐀂	𐤇	𑀋	𑁊	𑁋	𑁌	𑁍	प
B	Β	𐀃	𐤈	𑀌	𑁎	𑁏	𑁐	𑁑	ब
Y	Υ	Υ	𐤉	𑀍	𑁒	𑁓	𑁔	𑁕	य
V	Ϝ	Υ	𐤊	𑀎	𑁖	𑁗	𑁘	𑁙	व

جدول فوق از مقدمه فرهنگ مفصل سنسکریٹ - انگلیسی ، تألیف سر . م . منیر - ویلیامز نقل شده است .
درمیانہ ستونہای جدول ، ستونی است کہ بالای آن شماره یک گذاشته شده است و در این ستون ، یازده حرف کہ تصور گردیده حروف
خط فینیقی قدیم ، و از قرن نهم پیش از میلادست داده شده .
در طرف چپ ، درستون شماره دو ، حروف خط قدیم یونانی ؛ و در شماره سه ، حروف قدیم خط رومیان ، و درستون چهارم حروف خط
انگلیسی دیده میشود .

در طرف راست ، ستون شماره دو ، حروف خط برہمانی است کہ اکنون میگویند قدیمتر از خط ناگری میباشد .
درستون سه ، کوشش شدہ کہ تحولات شکل حروف را از برہمانی بہ خط ناگری نشان دهند .

درستون چهار ، حروف خط ناگری یا دیوا ناگری است .

سابقاً تذکر داده ایم کہ پس از یک قرن بررسی راجع بہ تاریخ الفبا ، دیگر محقق است کہ ہمہ خطوط جهان ، یک اصل مشترک دارد
و ہمیشہ در هر الفبائی میتوان چند حرف پیدا کرد کہ با تغییراتی شبیہ بہ حروف الفبای دیگر بشود . ولی تاکنون یک اصل مشترکی کہ در آن
اختلاف نباشد بدست محققان نیامدہ کہ بوسیله آن تمام حروف یک الفبائی را مقایسہ کنند و بہ تلفظ حقیقی حروف و تغییر شکلی کہ بصورت حروف
وارد شدہ باکمال یقین بیبرند . لہذا در اینجا می بینیم فقط یازده حرف را درہنگام مقایسہ در جدول فوق در نظر گرفتہ اند ، نہ ہمہ حروف
خط فینیقی و ناگری را .

اگر ہمہ حروف در نظر گرفتہ شود معلوم خواهد شد کہ خط فینیقی و اشکال خط نقشی مصری نمی تواند بدون ایراداتی ، اصل
مشترک قرار گیرد .

Sanskrit - English Dictionary, (Sir M. Monier - Williams), New Edition, Oxford.